

# پدرها و پسرها

در آغاز زندگی مشترک و پذیرش مسؤلیت هدایت کانون مقدس خانواده، صلاحیت و کفایت همسری و لیاقت و قابلیت پدر و مادر بودن، باید به طور همزمان توسط داوطلبان ازدواج و مشاوران ایشان مورد توجه قرار گیرد. به سخن دیگر زوج‌های جوان قبل از آنکه به فرزندآوری بیندیشند، باید از احراز قابلیت‌ها و شایستگی‌های مقام و منزلت ارجمند پدری و مادری اطمینان حاصل کنند. چراکه فرزندآوری و فرزند پروری مستلزم مسؤلیت‌ها و رسالت‌های مهم و حیاتی است.

در این نوشتار، رابطه میان پسرها و پدرها در چهارچوب وظایف و مسؤلیت‌های پدران خانواده مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

## دکتر غلامعلی افروز

متعالی شخصیت فرزند باشد و کودکان، زیباترین و خوشایندترین تجارب زندگی با الگوهای بزرگسال را کسب نمایند. در اکتساب تجارب زندگی اجتماعی، بالطبع حضور فعال و پر نشاط مادر و پدر در تعامل و ارتباط متقابل و پیوند عاطفی و اجتماعی با فرزندان دختر و پسر، امری کاملاً ضروری است. چراکه فرزندان خردسال دختر و پسر نیاز دارند در فرایند یافتن هویت فردی و اجتماعی، الگوپذیری، همانندسازی و شناخت نقش‌های مطلوب اجتماعی، از فرصت‌های لازم برای محسوس بودن با الگوهای بزرگسال زن و مرد، همچون مادر و پدر، به اندازه کافی و در موقعیت‌ها و شرایط مختلف، در خانه و خارج خانه بهره‌مند شوند.

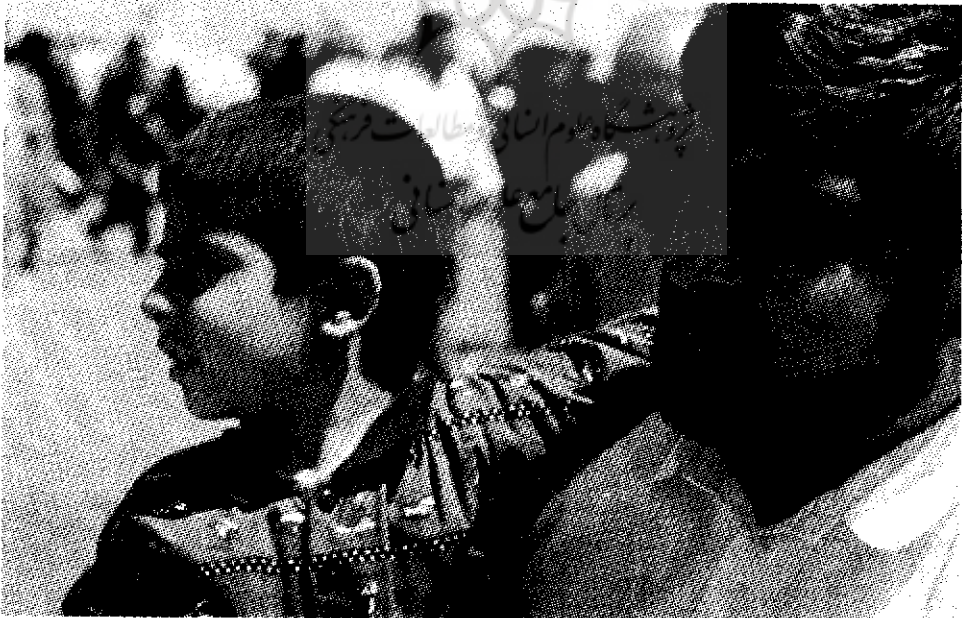
میزان قدرت سازش یافتگی کودکانی که

تردیدی نیست که مسؤلیت عمده و اساسی تربیت فرزند در مراحل اولیه رشد و تحول کودک، به ویژه در دوره زندگی جنینی، شیرخوارگی و پیش‌دبستانی بر عهده مادر است، اما مادر زمانی می‌تواند از عهده این امر مهم به نیکی و درستی بر آید که خود از آرامش روانی و امنیت خاطر برخوردار باشد تا به دور از هرگونه اضطراب و دغدغه و با بهره‌مندی از دلگرمی، همدلی، همراهی و حمایت مشوقانه و سنگربانی متعهدانه<sup>۱</sup> همسر (پدر)، ترسیمگر مسیر سعادت فرزند گردد. و در این رهگذر مادر می‌باید با همفکری و تشریک مساعی پدر زمینه‌ای فراهم کند که کانون پربرکت خانواده، همواره مطلوب‌ترین بستر رشد متعادل و تحول

مفید و مؤثر و متقابل با او و سازش یافتگی اجتماعی، با مشکل قابل ملاحظه مواجه می‌شوند. فی‌المثل اگر پسر بچه نوآموزی که به تازگی راهی مدرسه و کلاس درس شده، خاطرات تلخی از کلام و رفتار پدر در موقعیت‌های گوناگون زندگی اجتماعی و در کانون خانه داشته باشد، با این تصور که احتمالاً همه مردان این گونه‌اند، نسبت به شخصیت آقا معلم می‌اندیشد و به سادگی نمی‌تواند از صمیم قلب، همانند بسیاری از همسالان خود، با او ارتباط برقرار کند و برقراری چنین ارتباطی گاه ماهها به طول می‌انجامد. بدیهی است که در اینجا، این آقا معلم فهیم، بصیر و متعهد است که می‌بایست با رفتار صمیمانه، صبورانه و مهربانانه و پایداری و ثبات در این شیوه و منش و با حسن اخلاق و پاسخهای مثبت و حسنه در برابر واکنش‌ها و رفتارهای نامطلوب شاگرد

برای حضور در کلاس‌های پایه اول، خانه را به مقصد مدرسه ترک می‌کنند، به طور قابل ملاحظه‌ای به کمیت و کیفیت تجارب زندگی ایشان با الگوهای بزرگسال در کانون خانواده بستگی دارد.

آن دسته از کودکانی که با نگرشی کاملاً مثبت و خوشایند نسبت به شخصیت الگوهای بزرگسال مثل پدر و مادر، عمه و خاله، عمو و دایی و مادربزرگ و پدربزرگ پای به عرصه مدرسه می‌گذارند، در برقراری ارتباط با معلم کلاس و آموزش‌پذیری بسیار موفق هستند، و بر عکس کودکانی که با کوله‌باری از تجارب ناخوشایند از زندگی با الگوهای بزرگسال، تعارض‌ها، کشاکش‌ها و ستیزها بین والدین، تحمّل تحقیرها، سرزنش‌ها و تنبیه‌ها وارد مدرسه می‌شوند، همواره با شک و تردید به شخصیت معلم می‌نگرند و در برقراری ارتباط



همانندسازی با الگوهای مطلوب مردان مهربان، صبور، مقاوم و مقتدر موفق گردند. پسر بچه‌ها دوست دارند که در خانه و مدرسه، از نزدیک با ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری، آرمانها و اندیشه‌ها، هدفها و برنامه‌های پدران و معلمان و مریبان مرد بیشتر آشنا شوند.

نوجوانان پسر دوست دارند و نیازمند هستند که اوقاتی از ساعات روز و شب خود را در حریم حمایتی و هدایتی پدری محبوب، منطقی، استوار و مقتدر سپری کنند.

برای نوجوانان پسر، برقراری ارتباط مفید، مؤثر و متقابل با الگوهای محبوب و مطلوب مرد، فوق‌العاده مغتنم و ارزشمند است.

کودکان و نوجوانانی که بیش از دیگران دارای ارتباط صمیمی و خوشایند کلامی با "پدر" هستند و از مصاحبت و همنشینی، همراهی و همزیانی و همدلی با پدر لذت می‌برند، از بیشترین مصونیت روانی و فرهنگی برخوردار هستند و در دوران جوانی، با بالاترین احساس خودارزشمندی، اعتماد به نفس و

زمینه‌ای فراهم آورد که کودک باور و بازخورد تازه و درستی نسبت به شخصیت الگوهای بزرگسال در اجتماع پیدا کند و تجربه نو و خوشایندی از ارتباط اجتماعی با الگوهای بزرگسال مرد حاصل نماید. متأسفانه در جامعه ما به لحاظ برخی کاستی‌ها و نارسایی‌ها و ضعف در بینش و وجود پندارهای نادرست فرهنگی، اغلب پسر بچه‌ها تا پایان سنین دبستانی (حدود ۱۲-۱۱ سالگی)، آن گونه که بایسته و شایسته است نمی‌توانند با الگوهای بزرگسال مرد در اجتماع ارزشمندی همچون کلاس و محیط مدرسه در تعامل و ارتباط متقابل باشند. آ به همین دلیل است که پسرها تا قبل از شروع سن مدرسه و در کانون خانواده، باجنس زن حشر و نشر دارند و در دوران دبستان نیز غالباً با خانم معلمها در تماس و ارتباط متقابل قرار می‌گیرند و کمتر فرصت کسب تجارب جامع و مؤثر با پدر و الگوهای بزرگسال مرد در خارج خانه پیدا می‌کنند. در حالی که پسر بچه‌ها نیاز دارند با الگوهای بزرگسال همجنس خود بیشتر آشنا شوند و در



صلابت شخصیت همراه می‌شوند.

خود به طور خاص غفلت ننمایند. اینان باید برای بچه‌های خود پدری مهربان، گشاده‌رو و صبور باشند و همواره فرزندان خود را با کلام جاذب و شیرین و پیوندهای عاطفی و روانی، مورد تکریم و تشویق قرار دهند و نیازهای عاطفی و روانی و فطری آنها را به شایسته‌ترین وجه تأمین کنند.

پدران فهیم و بصیر و مهربان و دلسوز نیک می‌دانند که فرزندان ایشان به ویژه آقا پسرهایشان که بیشتر از دخترها در معرض تقاضاهای محیطی، محرک‌های اجتماعی و دریافت‌های فرهنگی قرار دارند، نیازمند رابطه‌ای صمیمی و پایدار، مؤثر و متقابل، سازنده و متعالی و خوشایند و پرجاذبه با آنها هستند.

آقا پسرها دوست دارند رابطه‌ای صمیمانه و صادقانه، شفیقانه و دوستانه با پدرها داشته باشند.

آقا پسرها از هر گونه ارتباط آمرانه و حاکمانه، غریبانه و متکبرانه، خصمانه و تنبیه‌گرانه با پدرها سخت‌گریزانند.

آقا پسرها بعضاً به رغم برخوردارگی از امکانات مطلوب شخصیتی، مدرسه‌ای پرآوازه، معلمان گوناگون، همکلاسی‌های فراوان، انواع بازی‌های کامپیوتری و الکترونیکی، وسایل رضایت‌بخشی، پول توجیبی کافی و مادری مهربان و فداکار، تا آن زمان که پدر در قید حیات است و شاغل در یک کار، انتظار دارند صمیمی‌ترین رابطه‌ها و شیرین‌ترین گفت‌وگوها و صادقانه‌ترین شورها و راحت‌ترین ارتباطها را با پدر داشته باشند.<sup>۳</sup> بدیهی است زمانی که پدر در قید حیات نباشد و یا به فوز عظیم شهادت نایل

لیکن آن دسته از کودکان و نوجوانان پسر که از کمترین ارتباط خوشایند کلامی با پدر محروم هستند و در برابر وجود "پدر" فاقد اختیار و آزادی و قدرت بیان و اظهار مکنونات قلبی و برقراری پیوند کلامی و عاطفی بوده، پیوسته توسط پدر مورد کم‌توجهی و بی‌مهری قرار می‌گیرند، جرأت سؤال و جواب نیز نمی‌یابند و با دنیایی از ناآرامی درون، پریشانی خاطر، عقده‌های روانی و اندیشه و احساسی نه چندان مطلوب نسبت به رفتارهای پدر در تأمین نیازهای فطری آنان، پای به دوره جوانی می‌گذارند، بیش از دیگر همسالان خود، وجودشان مستعد انواع آسیب‌پذیری‌های روانی، فکری، اجتماعی و سیاسی خواهد بود. اینکه گاهی مشاهده می‌کنیم جوانی به رغم تعلق به یک خانواده متشخص، متدین و متعهد به نظام، پدری فعال و دارای حسن شهرت مذهبی، سیاسی و اجتماعی، اعم از روحانی و غیر روحانی دچار آسیب‌پذیری‌های اجتماعی و سیاسی می‌شود و یا انحراف اخلاقی آشکار پیدا می‌کند، می‌بایست پیش از هر چیز ریشه آن را در کمبود محبت و فقر پیوندهای عاطفی و ارتباطات خوشایند و پرجاذبه کلامی بین پدر و فرزند در دوران کودکی و نوجوانی جست‌وجو کرد.

پرواضح است که مشاهیر جامعه و افراد متشخصی که در اداره امور جامعه سهم بیشتری دارند، از معمم و غیر معمم در این ارتباط مسؤولیت مضاعفی دارند. ایشان به رغم مشغله‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی می‌بایست لحظه‌ای از پیوندهای عاطفی - منطقی با فرزندان خویش به طور عام و با پسران

صمیمیت متقابل و رابطهٔ مراد و مریدی در جریان است و به جای رابطهٔ خشک و آمرانه؛ اقتدار عاطفی، رفتار اخلاقی، مروت و مردانگی، گذشت و صبوری به چشم می‌خورد.

زیبایی و شکوه رابطهٔ پدرها و پسرها می‌بایست به گونه‌ای باشد که مادرها همواره تأییدگر و تحسین‌گر آن باشند. در سایهٔ برقراری چنین ارتباط پایدار و دوست داشتنی است که کانون خانواده از هرگونه تعارض و دوگانگی احساس به دور می‌ماند و به جای آنکه مادر همواره مجبور و محکوم به رفتار انفعالی و تحمل‌کنندهٔ رفتار و رابطهٔ ترد و شکننده و پرخاشگرانهٔ پدر و پسر باشد، وحدت رویه و زبان مشترک و پر مهر الگوهای بزرگسال در کانون خانواده حاکم بوده، به جای خشم و پرخاشگری، خودمحوری و خودکامگی، کشمکش و ستیزه‌جویی، ارزش‌های والای اخلاقی و معیارها و موازین قرآنی حاکمیت خواهد داشت.

و در یک کلام، آن‌گاه که شاهد زیبایی و شکوه حسن رابطه‌ها و پیوند عاطفه‌ها بین پسرها و پدرها می‌شویم، دیگر سخن از مادرسالاری، پدرسالاری و فرزندسالاری معنایی ندارد و آنچه به چشم می‌آید، مهربانی و دوستی و شیرینی پیوندها و رابطه‌ها و حاکمیت ارزشهاست.

بدون شک دوباره اندیشیدن دربارهٔ رابطهٔ پدرها و پسرها امری است اجتناب‌ناپذیر. چرا که فراوانی قابل ملاحظهٔ ناخوشایندی در روابط میان پدرها و پسرها، در خانواده‌های مختلف و با تبار اقتصادی و اجتماعی متفاوت، در داخل و خارج کشور، در شهرها و روستاها، بیانگر این

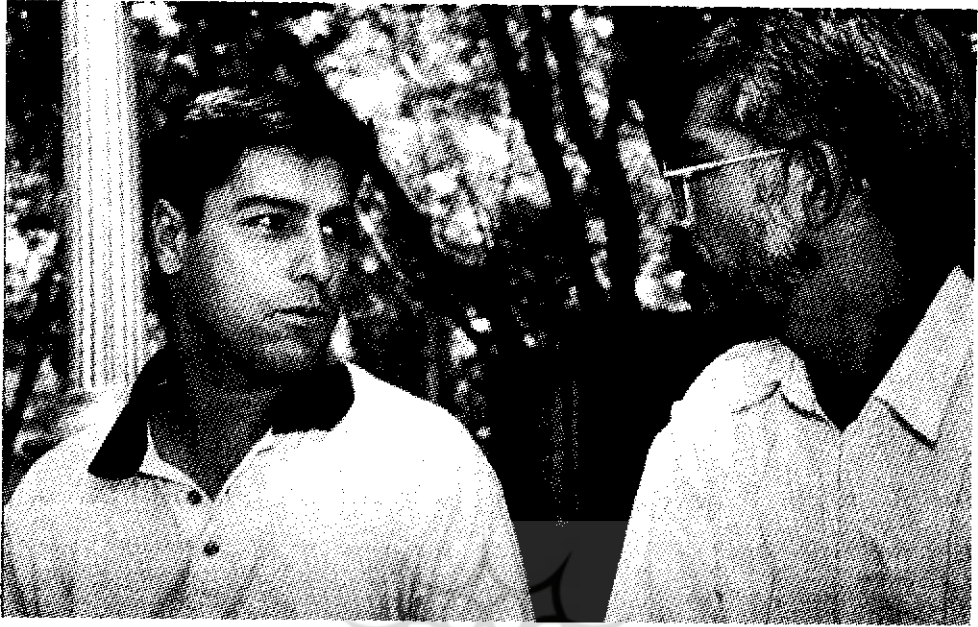
آمده باشد، آن وقت پسر با برخوردار از اعتماد به نفس و احساس مسؤلیت‌پذیری، زیباترین رابطه‌ها را با مادر دارد و مادر نیز با منش و شخصیتی که آمیزه‌ای است از محبت و عطف و منطق و استواری، حمایت و هدایت پسر را با کفایت و قابلیت در خور تحسین بر عهده می‌گیرد.

آقا پسرها دوست دارند که همیشه پدر را در حالتی آرام و به دور از اضطراب و تشویش، دغدغه و نگرانی، عجله و شتاب دریابند و فرصت گفت و شنود راحت و بیان راز دل با آنان را صمیمانه و صادقانه، صریح و در عین حال با احترام داشته باشند.

آقا پسرها دوست دارند و نیازمندند که پدرها به دور از بی‌حوصلگی و عصبانیت و با صبوری و متانت و زبانی‌گیرا و جذاب به سوالات ذهنی و مسائل فکری آنان پاسخ گویند و با آنها دربارهٔ برداشت‌های فرهنگی و تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی‌شان با سعهٔ صدر و آرامش کامل به شور و رایزنی بنشینند.

خوشا به حال پدرانی که با متانت و صبوری، مهربانی و عطف و بیان مستدل و منطقی، هم پدر فرزند خویش هستند و هم صمیمی‌ترین همراز و دوست او، و این نشانی از سعادت‌مندی پدر و پسر و حکایتی از زیباترین و افتخار‌آمیزترین رابطه‌هاست.

در رابطهٔ مطلوب پدرها و پسرهای سعادت‌مند و موفق، به جای تحقیر و تهدید، تکریم و تشویق حاکم است. به جای زبان انتقاد و تکذیب، کلام اطمینان و تأیید جاری است. به جای اضطراب و ناامنی، فضایی آکنده از آرامش و امنیت خاطر حاکم است. به جای فرمانروایی و فرمان‌برداری، احساسی از



فرهنگی دل و جان و اندیشه و باور نوجوانان و جوانان را مورد حمله قرار داده‌اند، مؤثرترین شیوهٔ مقابله با این حملات گسترده در جبههٔ فرهنگی، ایجاد مصونیت عاطفی در فرزندان و نور چشمان است و این جز با حسن رابطه‌ها و پیوند عاطفه‌ها مقدور نخواهد بود.

نصیحت‌پذیری و عمل به وصایای پدر، زمانی توسط پسر به درستی و کمال میسر می‌شود که از خوشایندترین تجارب و دلچسب‌ترین خاطرات در پیوندهای عاطفی و روابط محبت‌آمیز بهره‌مند باشد.

پدری که در طول حیات خود و در دوران ایام اقتدار شخصیتی خویش لحظه‌ای از حسن رابطه و پیوند عاطفی با فرزندان خود غافل نبوده و صمیمی‌ترین و صادقانه‌ترین ارتباط را با آنان داشته است، در پیرانه سر نیز بیش از هر زمان دیگر مورد مهر و محبت فرزندان واقع می‌شود و هرگز فرزند چنین پدری اندیشهٔ

حقیقت است که می‌باید نگاه دوبارهٔ پدرها به این مهم معطوف گردد و ایشان آغازگر دوبارهٔ رابطه‌ای خوشایند، پایدار و مطلوب با پسران خود باشند. دست کم همان گونه که در محل کار خود با یک همکار جوان در ارتباطند، و یا به همان صورت که با پسر همسایه و یا طلبهٔ جوانی که درست همسن و سال پسرشان است، ارتباط متقابل برقرار می‌کنند و با متانت و تواضع و زبان خوش و احترام‌آمیز با آنان صحبت می‌کنند و به مشورت و رایزنی می‌نشینند، با پسر خود نیز که ویژگی‌ها و نیازهای عاطفی و روانی مشابه آن پسر همسایه و طلبهٔ جوان را دارد، رابطه برقرار کنند و با زبان تأیید و تکریم، صمیمانه و شفیقانه با وی سخن بگویند.

در دنیای امروز که شاهد گسترش روزافزون و فزایندهٔ تولیدات فکری و مصنوعات فن‌آوری جدید در عرصهٔ فرهنگی هستیم و مهاجمان



### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- الرَّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ (قرآن کریم).  
شوهرها سنگربان زنان هستند.
- ۲- متأسفانه در اکثر مدارس ابتدایی پسرانه نیز خانم معلمها قبول زحمت می‌کنند و کاستی حضور معلمان بصیر، متعهد، خوش اخلاق و دلسوز مرد را در دبستان‌های پسرانه جبران می‌کنند.
- ۳- با کمال تأسف بعضاً مشاهده می‌شود که برخی از آقا پسرهای بعضی از مسؤولان و کارگزاران نظام، صمیمی‌ترین ارتباطها و راحت‌ترین رابطه‌ها را با آقایان راننده‌ای که در اختیار پدرانشان هستند، دارند و با پدران خویش یا دوگانگی احساس و زبانی نیمه رسمی ارتباط برقرار می‌کنند و سخن می‌گویند و فرصت بیان راز دل را نمی‌یابند.

جدایی و طرد پدر از خانه و جای دادن او در خانه سالمندان را به محیلة خود راه نمی‌دهد. آری، در بررسی علل گوناگون روانه ساختن پدرها به خانه‌های سالمندان، توجه به این نکته نیز بسیار مهم و در خور تأمل است. بدون شک نحوه رابطه پدرها و پسرها در گذشته‌های نه چندان دور در چنین تصمیم و اقدام نه چندان مطلوب، دخیل است.

امروز بیش از هر زمان دیگر، پدرها و پسرها محتاج خوشایندترین نگرشها نسبت به یکدیگر و صمیمی‌ترین و محبت‌آمیزترین رابطه‌ها، با یکدیگرند. در این ارتباط کارگزاران فرهنگی، مربیان تربیتی، معلمان اخلاق نظری و عملی، دست‌اندرکاران برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، صاحبان فکر و اندیشه، اهل کتاب و مطبوعات، همه و همه در برقراری روابط عاطفی میان والدین و فرزندان و به ویژه پدرها و پسرها بیشترین مسؤولیت را دارند. چرا که تقویت رابطه‌ها و غنی کردن روابط محبت‌آمیز میان پسرها و پدرها بیشترین تأثیر را در کاهش تنش‌های خانوادگی و اضطراب‌های فردی به همراه دارد و زمینه سلامت شخصیت و بهداشت روان پدرها و پسرها و اعضای خانواده را فراهم آورده، مناسب‌ترین بستر را برای رشد و تحول مطلوب شخصیت و رویش جوانه‌های خلاقیت و نوآوری‌های فکری و عملی آماده می‌سازد. بدین ترتیب پدرها و پسرها با احساس و نگرشی حاکی از خوشایندی نسبت به یکدیگر و انگیزه قوی برای تلاش، همه استعدادها و قابلیت‌های بالفعل و بالقوه را در عرصه‌های گوناگون به نمایش می‌گذارند.